

## واکاوی جرم‌شناسی فرهنگی در ایران

محمد فروتن<sup>۱</sup>

### چکیده

یکی از تأثیرگذارترین پارامترها در بروز جرائم، فرهنگ است. فرهنگ در تعریفی نسبتاً جامع و مانع، تحت عنوان مجموعه پیچیده‌ای از علوم، دانش، هنرها، افکار، اعتقادات، آیین‌ها، قوانین و مقررات، آداب و رسوم، دین و مذهب، سنت و خلاصه همه آموخته‌ها و عاداتی یاد شده است که انسان به عنوان عضوی از جامعه اخذ می‌کند، از آن تأثیر می‌پذیرد و بر آن تأثیر می‌گذارد و حالت انباشته دارد. همچنین فرهنگ از نسلی به نسل دیگر و محلی به محل دیگر، متغیر و در حال انتقال است و ماهیتی پیچیده دارد. جرم‌شناسی فرهنگی به عنوان یک موضوع میان‌رشته‌ای، نقطه تلاقی جرم‌شناسی و مطالعات فرهنگی است که بر زمینه‌های فرهنگی - اجتماعی بروز انحرافات مجرمانه تأکید دارد. پژوهش پیش رو نیز با دقت نظر بر مسائل خرده‌فرهنگی، سبک‌های نوظهور زندگی منتهی به بروز انحرافات؛ به ویژه تکنولوژی‌های مدرن رسانه‌ای و ارتباط جمعی، انحرافات خانوادگی و رشد فرهنگ

عوام‌پسندانه (پوپولیستی) که در دو دهه اخیر تأثیر شایانی بر رشد تصاعدی نرخ بزهکاری، خاصه در میان نسل جوان داشته؛ سعی بر تبیین ظرفیت‌ها و چالش‌های پیش رو دارد و بر آن است تا راهکارهایی به منظور سیاست‌گذاری هرچه بهتر در جهت مقابله و پیشگیری از جرائم و انحرافات فرهنگی اجتماعی به دست دهد.

**واژگان کلیدی:** جرم‌شناسی فرهنگی، بزهکاری، خرده‌فرهنگ‌های مجرمانه، عوام‌گرایی، پیشگیری



## مقدمه

جرم‌شناسی فرهنگی<sup>۱</sup> یا در واقع بررسی تأثیر مقولات فرهنگی بر پدیده‌های جرم‌شناختی یکی از رویکردهای گوناگون دانش جرم‌شناسی است که به شکلی گسترده و کلی‌نگر با تکیه بر اصول اولیه نظریات جرم‌شناسی؛ عوامل پیدایش جرم، پیامدهای هر نوع انحراف اجتماعی و شیوه‌های پیشگیری را از دریچه فرهنگ و ملزومات آن می‌نگرد و بر آن است تا شناختی هرچه بهتر از زمینه‌های فرهنگی بروز بزهکاری و همین‌طور راهکارهای پیشگیری، مقابله و سیاست‌گذاری مقتضی در این خصوص را به دست دهد. همچنین باید اذعان داشت، تحولات دنیای مدرن مانند پیشرفت سریع تکنولوژی‌های رسانه‌ای و ارتباط جمعی یا رشد فزاینده عوام‌گرایی، چه در عرصه ملی و چه فراملی بر تعاملات فرهنگی جوامع بشری هم در بعد «کلان» و هم در بعد «خرد» اثر شایانی گذاشته و موجب گردیده تا در کشورهای در حال توسعه از جمله کشور ما، فرهنگ غیررسمی از فرهنگ رسمی فاصله بگیرد و امروزه در میانه دهه چهارم انقلاب اسلامی، برخلاف سنوات آغازین آن، چنین می‌نماید که دومی، به نظام حاکم «وابسته‌تر» می‌شود و اولی «مستقل‌تر»؛ اما چنین دریافت‌هایی در نهایت منتج به این مسئله خواهد شد که سخن از «پاسخگو نبودن حاکمیت و حکومت‌ناپذیری جامعه» به میان آید، لذا کوشش در جهت رفع این فاصله هستیم. همچنین با عنایت به اینکه مباحث جرم‌شناسی عمدتاً برگرفته از نظریات دانشمندان اروپایی و آمریکای شمالی بوده و در کشور ما، بالأخص در زمینه جرم‌شناسی فرهنگی، پژوهش بومی و داخلی خاصی صورت نپذیرفته است؛ جای خالی آن به شدت احساس می‌شد تا با لحاظ پارامترهای درون‌مرزی و استعانت

1. Cultural Criminology



از نظرات حقوق‌دانان، جرم‌شناسان، جامعه‌شناسان، علما و اهل فن به طور هرچه دقیق‌تر و بیشتر در ژرفای این رشته از جرم‌شناسی بپردازیم. از این رو، سؤال اصلی پژوهش حاضر بررسی علل شکل‌گیری جرم فرهنگی بر اساس تئوری‌ها و نظریات جرم‌شناسی در ایران می‌باشد.

## ۱- ادبیات و پیشینه موضوع

دانش نوین جرم‌شناسی در سال ۱۸۷۶ میلادی، توسط یک پزشک ایتالیایی به نام «سزار لمبروزو» که نتایج مطالعات تجربی و تحقیقات میدانی خود را در زمینه انسان‌شناسی جنایی در کتاب «انسان بزهکار»<sup>۱</sup> بیان کرد، تأسیس شد. صاحب‌نظران تا به امروز وی را پدر علم جرم‌شناسی و این کتاب را منشور جرم‌شناسی علمی می‌دانند. پس از آن و در اوایل قرن بیستم، برای اولین بار شخصی به نام «انریکو فری» که یک حقوقدان ایتالیایی بود، مباحثی را پیرامون «جامعه‌شناسی جنایی»<sup>۲</sup> مطرح کرد و این آغازی بر بیان تأثیر به‌سزای فاکتورهای محیطی و اجتماعی از جمله «عوامل فرهنگی»<sup>۳</sup> بر حدوث جرم و بزهکاری بود. همچنین این تأثیرات در سده اخیر به ویژه طی سه دوره زمانی در دهه‌های ۱۹۵۰، ۱۹۷۰ و ۲۰۰۰ میلادی در ممالک غربی، هم به روش مطالعه میدانی و هم از طریق مطالعه تحلیلی - توصیفی مورد بحث و بررسی قرار گرفت. در نهایت، باید گفت متأسفانه تاکنون علی‌رغم وجود عناصر بارز فرهنگی در کشور، در این خصوص کنکاش و فعالیت قابل‌ذکری به عمل نیامده است و با عنایت به بدیع بودن این موضوع، امید آن می‌رود تا در آینده شاهد تغییر در این روند انفعالی و جنب‌وجوش پژوهشی باشیم.

1. Criminal Man

2. Criminal Sociology

3. Cultural Ingredients



همچنین از زمانی که رشته حقوق به صورت امروزی و آکادمیک بازشناسی شد، شاخه‌ها و گرایش‌های گوناگونی برای آن متصور شدند که گرایش حقوق جزا و جرم‌شناسی نیز یکی از آنهاست. جرم‌شناسی که در واقع یکی از زیرمجموعه‌های علوم جنایی است؛ در میان علوم جنایی تجربی، طبقه بندی می‌شود و از نوع علوم تحلیلی - تفسیری می‌باشد.

## ۲- جرم‌شناسی فرهنگی

### ۲-۱- مفهوم جرم‌شناسی و ارتباط آن با فرهنگ

در تعریف «جرم‌شناسی» گفته شده است که این عبارت را نخستین بار در سال ۱۸۷۹ میلادی یک دانشمند فرانسوی به نام «توپینار» مطرح نموده که عبارتی مرکب از دو واژه یونانی، Crimen به معنای جرم و Logos به معنای شناخت، می‌باشد. بنابراین، وی مقصود خود را از این عبارت «شناخت جرم» بیان می‌دارد؛ چراکه تا پیش از این همواره در برخورد با پدیده‌های مجرمانه و افراد بزهکار، صحبت از نحوه و میزان مجازات بوده است، نه شناخت خود جرم. در واقع اینکه جرم چیست و چرا در سطح جامعه شاهد آن هستیم و در یک عبارت، شناخت بزه و عوامل بزهکاری، موضوع نیمی از قلمرو مطالعاتی این علم است و طبیعتاً نیم دیگر مباحث جرم‌شناسی، در راستای مقابله با پدیده‌های مجرمانه (از پیشگیری جرائم گرفته تا درمان بزهکار) می‌باشد. بنابراین در تعریف این علم می‌توان گفت، «دانش مطالعه عوامل بزهکاری با هدف مقابله با جرم» است. بنابراین، از همین جاست که پی به ارتباط ناگسستنی آن با مقوله «فرهنگ» می‌بریم؛ چراکه در وهله اول شناخت بزه و عوامل تکوین بزهکاری، تحت تأثیر مؤلفه‌های فرهنگی می‌باشد، زیرا این



فرهنگ است که حیطه ارزش‌ها و ضد ارزش‌های یک جامعه را معین می‌سازد و هر نوع تخطی از آن را انحراف تلقی می‌نماید. در وهله دوم، نیز این فرهنگ است که مؤثرترین و تعیین‌کننده‌ترین عامل، در پیشگیری از تبدیل افراد جامعه‌پذیر به یک بزهکار و همین‌طور در اصلاح و بازپروری مجرمین می‌باشد. (فرل و ساندرز، ۱۷:۱۹۹۵) در نهایت باید گفت که «جرم‌شناسی فرهنگی» را در کتابی به همین نام، تحت عنوان مطالعه تجربیات روزمره زندگی، تاریخچه‌های زندگی و بسیاری از جلوه‌های فراغتی و مصرفی زندگی روزمره (مانند موسیقی و رقص) برای کشف این مسئله تعریف می‌کنند که چگونه و چرا برخی صورت‌های فرهنگی، مجرمانه تلقی می‌شوند. همچنین باید افزود که جرم‌شناسی فرهنگی، رشته‌های فکری خاصی را به یکدیگر پیوند می‌زند تا انطباق و همگرایی فرآیندهای فرهنگی و جنایی را در زندگی اجتماعی معاصر مورد بررسی قرار دهد. (فرل، ۱۹۹۹: ۳۹۵)

### ۳- فرهنگ، در نظریات جرم‌شناسی کلاسیک

آن‌گونه که در فرهنگ معین بیان شده «فرهنگ» به معنای نظیر ادب، دانش، معرفت، آداب و رسوم و... بوده و ریشه در پارسی میانه و پهلوی ساسانی داشته و در آنجا به صورت مرکب «فره هنگ» آمده است که واژه «فره» به معنی پیش و «هنگ» به معنی کشیدن یا راندن است و در مجموع مفهوم پیش کشیدن را، به ذهن می‌رساند. از همین روست که پارسی‌زبانان عموماً فرهنگ را سبب پیشرفت می‌دانند. دانشمندان علوم اجتماعی نیز آن را مجموعه‌ای به هم پیوسته از دانسته‌ها، نگرش‌ها، رفتارها، تولیدات و ارزش‌های یک جامعه می‌دانند. ارزش‌هایی که گاه به شکل رسمی و گاه غیررسمی وجود داشته و تخطی از آن‌ها واکنش جامعه و گاه قوای حاکمه را



به دنبال دارد. بی‌تردید بارزترین و نظام‌مندترین شکل این ارزش‌ها «قانون» است و هرگونه رفتاری برخلاف آنکه واکنش قانون‌گذار (مجازات) را نیز در بر داشته باشد، «جرم» نامیده می‌شود. اینگونه است که فرهنگ تمامی شئون زندگی جمعی انسان را در بر گرفته و در واقع همان است که مفاهیم بنیادین دانش جرم‌شناسی چون جرم، بزه‌کار و پیشگیری را مشخص ساخته و الگوهای رفتاری مناسبی را ارائه می‌کند. بنابراین تفاسیر نظریات علما و مکاتب جرم‌شناسی مدرن نیز از این قاعده مستثنی نبوده و متأثر از آن هستند. در اینجا ابتدا نگاهی اجمالی و گذرا به «جایگاه فرهنگ» در مبانی نظری برخی از مکاتب بوم‌شناختی مطرح در جرم‌شناسی کلاسیک می‌کنیم، سپس به مقایسه تطبیقی آن‌ها با جامعه ایرانی می‌پردازیم.

### ۳-۱- نظریه جبریت

نظریه «جبریت» که اولین مکاتب جرم‌شناسی را بنا نهاد، اگرچه در بدو امر نگاهی معطوف به عوامل زیست‌شناختی و جسمانی داشت، اما رفته‌رفته توجه خود را به پارامترهای محیطی از قبیل جغرافیا و محیط اجتماعی معطوف کرد. تئوری آمار جغرافیای جنایی یا همان قانون حرارتی «کتله»، متخصص آمار بلژیکی و «گری» جرم‌شناس فرانسوی یا نظریات «مارکس و انگلس» که همه چیز از جمله فرهنگ را تابعی از اقتصاد و طبقه اجتماعی می‌دانستند. پیروان این مکاتب معتقدند هر فرد مستعد بزه‌کاری، جبراً تحت تأثیر عناصر فرهنگی طبقه اجتماعی خود و محیط جغرافیایی پیرامون محل زندگی‌اش قرار گرفته و از این طریق به سوی ارتکاب بزه سوق می‌یابد. از همین روست که آن‌ها را مکاتب «بوم‌شناختی جرم‌شناسی» می‌خوانند. همچنین آنان معتقدند که با تغییر و اصلاح همین عناصر فرهنگی، محیطی، اقتصادی و بافت جغرافیایی است که می‌توان فرایند تبدیل مجرمین بالقوه به بالفعل را متوقف ساخت.



### ۳-۲- نظریه جبر نسبی

در این بین اما «تارد و امیل دورکیم» جامعه‌شناسان آمریکایی و انگلیسی که خود از بنیان‌گذاران مکتب «جبر نسبی» هستند؛ تحلیلی عمیق‌تر از آن ارائه می‌دهند. «تارد» با طرح نظریه «قانون تقلید»؛ انگیزش، یادگیری و ارتکاب بزه را ناشی از تقلید آگاهانه انسان از هم‌نوع خود می‌داند.

این نظریه بر ۳ فاکتور استوار است:

**نخست)** افزایش میزان تقلید به تبع افزایش میزان تماس و ارتباط افراد با هم؛ این امکان در جامعه ایرانی نیز با رشد شتاب‌زده شهرنشینی، پیشرفت رسانه‌ها و تکنولوژی‌های ارتباط جمعی با سهولت، سرعت و کمیت آماری، بیش از پیش فراهم شده است.

**دوم)** تقلید افراد تأثیرپذیر و عامه جامعه از اشخاص تأثیرگذار؛ مانند قشر جوان و الگوپذیر جامعه که اغلب سعی در تقلید از خوانندگان، هنرپیشگان سینما یا بعضی ورزشکاران مشهور و به ندرت برخی سیاست‌مداران دارند که این امر گونه‌ای از جلوه‌های عوام‌گرایی (پوپولیسم) بوده و در ایران هم روبه‌رشد است. امروزه بخشی از قشر جوان ایرانی، در نوع لباس پوشیدن و آرایش ظاهری از آن‌ها تقلید کرده، در خیابان‌ها با عکس و علائم مربوط به طرفداری از آن‌ها دیده می‌شوند و به آهنگ‌هایی با ارزش موسیقی پایین و مضامین آگزیستانسیالیستی، همچون موزیک‌های رپ زیرزمینی، گوش فرا می‌دهند که بیشتر، الگوهای رفتاری لمپن‌گونه را ترویج می‌دهد و از همه بدتر اینکه، جوانان مذکور این سبک از زندگی را برای خود، سبب تفاخر می‌دانند؛ چراکه در میان گروه هم‌سالان نوعی ارزش تلقی شده و برایشان منزلت و احترام به دنبال خواهد داشت.





سوم) تحول در انگیزه، نوع و ابزار ارتکاب جرم با تقلید از تحولات جامعه در کوتاه مدت؛ بهترین شاهد مثال آن نیز پدیدار گشتن جرائم رایانه‌ای و خشونت مجازی در فضای اینترنتی می‌باشد که به دلایلی از قبیل فقدان مدیریت کلان مناسب از سوی نهادهای نظارتی در عرصه ارتباطات و فناوری اطلاعات در بعد کلان جامعه و همچنین پنهان بودن از دسترسی فیزیکی و عدم مواجهه مستقیم با قربانی و به تبع آن مصون ماندن مرتکب از شناسایی و پیگرد قانونی به جهت وجود حصارهای امنیتی و حفاظتی در فضای مجازی در اکثریت قریب به اتفاق موارد، رو به گسترش است.

«دورکیم» هم به نوعی همانند «لاکاسانی» ارتکاب جرم را به مثابه یک بیماری، بخشی از تحولات فرهنگی جوامع ارگانیک (مدرن) برشمرده و جامعه‌عاری از بزه را اصولاً قابل تصور نمی‌داند و با اجتناب‌ناپذیر انگاشتن ارتکاب جرائم در جوامع انسانی (جبر)، آن را موجب تمیز دادن اعمال و الگوهای بهنجار، از نابهنجار توصیف می‌کند که این مسئله خود عاملی برای رشد و توسعه فرهنگی است. وی بالا رفتن نرخ جرائم را پیامد دو عامل، «کاهش قبح اجتماعی جرم» که از پایگاه فرهنگی جامعه سرچشمه می‌گیرد و «نقصان مجازات» خواه در مقام تقنین و خواه در مقام کمیت یا کیفیت اجرای آن می‌داند. اینکه مع‌الأسف هم‌اکنون در کشور ما قبح اجتماعی برخی جرائم مثل «نصب و استفاده از تجهیزات دریافت از ماهواره» یا تا حدی «روابط نامشروع» به ویژه در میان بخش عمده‌ای از جوانان یا حتی اقشار روشنفکر، تحصیل کرده و متمول جامعه شکسته و نرخ ارتکاب این جرائم نیز بسیار فراگیر شده یا رشد سریعی داشته، حاکی از عدم برخورد قانونی صحیح با اینگونه جرائم است که شاهدی بر اثبات این مدعی می‌باشد. همچنین دورکیم راه‌حل را در هرچه



منسجم‌تر کردن وجدان جمعی افراد با به کارگیری ابزارهای مثبت فرهنگی نظیر اخلاقیات، مذهب و همین‌طور تعاون در کار دسته‌جمعی معرفی می‌کند. کما اینکه اگر در ایران هم از ابتدا چنین سیاست‌هایی در برخورد با این قبیل معضلات فرهنگی بزهکارانه، پیش گرفته می‌شد و در کنار نشر و اشاعه رسمی مفاهیم والای مذهبی و اخلاقی، به درونی کردن آن از روش‌های غیررسمی مانند فعالیت‌های جمعی در گروه‌های دوستانه توجه بیشتری می‌شد؛ هم‌اکنون وضعیت ملموس و عینی فرهنگ جامعه را در چنین شرایطی نمی‌دیدیم و در بعد کلان سیاست‌گذاری کیفی هم با مشکل مواجه نمی‌شدیم.

### ۳-۳- نظریه فشار

رابرت مرتن<sup>۱</sup> با بسط نظریات امیل دورکیم از دیدگاه کارکردگرایی، انحراف را نتیجه عدم تعادل در نظام اجتماعی برشمرده و نابسامانی‌های بزهکارانه موجود را به عدم تطابق فی‌مابین اهداف و الگوهای تأیید شده و پذیرفته اجتماعی و وسایل مورد تأیید برای نیل به آن‌ها، به خصوص بر اثر تفاوت‌های طبقات اجتماعی نسبت می‌دهد. (رابرتسون، ۱۳۷۴: ۲۷۲) این نظریه پرداز جرم‌شناسی کلاسیک، با تأکید بر تناقضات ساختار اجتماعی - فرهنگی موجود، از تمایلات درونی افراد که در بسیاری موارد ارتباط چندانی هم با الگوهای مقبول جامعه نداشته و حتی در موارد بسیاری برخلاف آن است؛ چشم‌پوشی می‌کند. مرتن در تبیین این بحث بر دو مورد از عناصر تشکیل دهنده ساختارهای اجتماعی - فرهنگی تکیه می‌کند که یکی، اهداف و ارزش‌های کلی مورد تأیید، رایج و آرمانی هر جامعه انسانی و دیگری روش‌ها و وسایل متعارف و منطبق با اصول و هنجارها برای دستیابی به اهداف مذکور است. بر

1. Robert K. Merton



همگان مبرهن است که فرهنگ هر جامعه می‌بایست هر دو عنصر «هدف و وسیله» را برابر ارزش‌های مورد قبول خود مشخص، تنظیم و کنترل کند و چون بعضاً امکان دارد نسبت به ارزش‌های مربوط به برخی هدف‌های معین تأکید و تبلیغ زیاد یا استثنائی شود، ولی در عین حال به وسایل و ابزارهای دستیابی به آن‌ها توجهی درخور و متناسب با هدف مربوطه نشود؛ در این خصوص تعارضی درونی برای اعضای جامعه به وجود می‌آید. (مرتین، ۱۹۴۹: ۱۳۰)

به‌طور مثال در سال‌های اخیر در کشور ما کسب یک جایگاه اجتماعی متعارف، مناسب و تشکیل خانواده‌ای با یک زندگی نسبتاً مرفه، از راه‌هایی مانند اشتغال در حرفه‌هایی با موقعیت شغلی بالا و پردرآمد؛ نوعی هدف و ارزش به حساب می‌آید، اما همگان این را می‌دانند که در ایران امروز به دلیل مشکلات اقتصادی، معضل مسکن و از همه مهم‌تر بیکاری فراگیر در سطح کلان؛ اکثریت قریب به اتفاق جوانان ایرانی به وسایل مشروع منطبق با هنجارها، برای دستیابی اهداف مذکور دسترسی ندارند و این تعارض می‌تواند خود عاملی برای بروز وسیع‌زمینه‌های بزهکاری و ناسازگاری در سطوح مختلف جامعه شود.

مرتین واکنشی که در قبال این تعارضات از افراد مختلف سر می‌زند را در پنج دسته طبقه‌بندی می‌کند که عبارت‌اند از: ۱) هم‌نوایی با ارزش‌ها، هم در ارتباط با هدف و هم وسیله که این حالت منجر به بروز جرم نخواهد شد؛ ۲) نوآوری یا همان سازگاری با معیارهای فرهنگی هدف و به همان میزان عدم تبعیت از هنجارهای نهادینه حاکم بر وسیله و در پی آن ارتکاب جرم؛ ۳) سنت‌گرایی، به معنی صرف‌نظر کردن از هدف با تأکید بر وسیله، به پیروی از مذهب، سنت‌ها و آیین‌ها؛ ۴) انزواطلبی، چشم‌پوشی از هدف و وسیله، با فاصله گرفتن از جریان اصلی جامعه و به ندرت نیز



ارتکاب جرم برای برآوردن نیاز شخصی؛ ۵) شورش (توطئه)، به این مفهوم که فرد هم هدف و هم وسیله را قبول دارد، اما نه آن گونه که مورد پذیرش حاکمیت است و کل سیستم را مانعی بر سر راه نیل به اهداف مشروع می‌داند که ارزش‌ها و وسایل جدید می‌آفریند. با گذر زمان نیز، «رابرت اگنیو» در اواخر قرن بیستم این نظریه را تحت عنوان «نظریه عمومی فشار»<sup>۱</sup> دست‌خوش تکامل و تغییر کرد. اگنیو با تبیین اینکه چرا افرادی که متحمل استرس و فشار هستند به احتمال زیاد مرتکب جرم می‌شوند؛ توجه خود را به روابط منفی آن‌ها با سایرین که خود مولد هیجان‌های منفی، مانند خشم در شخص و در نتیجه ارتکاب جرم است، معطوف داشت.

### ۳-۴- نظریه معاشرت افتراقی

ادوین ساترلند<sup>۲</sup> آمریکایی نیز در «نظریه معاشرت افتراقی»<sup>۳</sup> همچون هم‌وطن خود «رابرت مرتن»؛ هر دو به پیروی از دورکیم، بر این باورند که بزهکاری و کجروی رویدادی طبیعی در جامعه بوده و به‌خودی‌خود، جزئی از فرهنگ هر جامعه محسوب می‌شود. ساترلند معتقد است که بزه و جرم از طریق انتقال و با قرار گرفتن در محیط معاشرتی با طبقات پایین جامعه و تأثیر پذیرفتن از خرده‌فرهنگ‌های خاص آنان، فراگرفته خواهد شود. او هرچند نگاهی تک بعدی (فقط به عنوان عامل یادگیری) و عمودی (از بالا به پایین) نسبت به فرهنگ دارد؛ اما فرایند ۹ مرحله‌ای را در تشریح روند یادگیری بیان می‌دارد که توضیح آن از موضوع بحث ما خارج است. با این حال، باید افزود که فرهنگ را نباید صرفاً عامل یادگیری دانست؛ چراکه انسان نه تنها از فرهنگ تأثیر می‌پذیرد، بلکه بر آن تأثیر هم می‌گذارد. در ایران نیز آمارهایی که

1. General Strain Theory
2. Edvin H. Sutherland
3. Differential Association Theory



همه‌ساله توسط نهادهای قضایی ذی‌ربط (خصوصاً سازمان زندان‌ها و کانون اصلاح و تربیت) منتشر می‌شود؛ حاکی از آن است که محکومین کیفری عمدتاً در معاشرت با طبقات و خرده‌فرهنگ‌های فوق‌الذکر مرتکب تکرار جرم شده و به مجرمین سابقه‌دار و حرفه‌ای بدل می‌شوند؛ چه اینکه در داخل زندان و در حال سپری کردن دوران محکومیت، انواع شیوه‌ها و شگردهای بزهکارانه و مجرمانه را از سایر محبوسین فراگیرند و چه خارج از آن در معاشرت با این افراد.

#### ۴- مکاتب فرهنگ‌محور، در جرم‌شناسی نوین و نگاه تطبیقی با ایران

در این بخش به بررسی جامعه‌شناختی پیرامون نظریات فرهنگی برخی مکاتب جرم‌شناسی که حول محور اساسی «فرهنگ»، شکل گرفته‌اند، می‌پردازیم. همچنین نگاهی تطبیقی بر آنچه مطرح شده با شرایط و اوضاع و احوال کنونی ایران خواهیم داشت.

#### ۴-۱- نظریه تعارض فرهنگی

«تورستن سلین» به عنوان اصلی‌ترین نظریه‌پرداز این مکتب با بهره‌جستن از مبانی نظریات «پارک» و «بکس» در مکتب شیکاگو، تحت عنوان «از هم گسیختگی فرهنگی»؛ بحث تعارض فرهنگی بر اثر «مهاجرت» را به پیش می‌کشد. او مهاجرت را عامل بروز و بسط بسیاری از بزهکاری‌ها می‌داند و چنین می‌گوید: «قوانین بر پایه فرهنگ کلی هر جامعه نگاشته می‌شود و دربردارنده هنجارها و ارزش‌های اساسی و عمده، جوامع بوده و نوع و میزان واکنش به انحرافات و ضد ارزش‌ها را نیز بر اساس همین معیار تعیین می‌کند». بنابراین، با مهاجرت گسترده و افسار گسیخته افراد بیگانه و نامأنوس با فرهنگ هر جامعه، به درون آن و به علت عدم آشنایی کافی با موازین



و هنجارهای جامعه مقصد؛ تعارض فرهنگی عمیقی میان آنان و جامعه مزبور ایجاد می‌شود. به ویژه که مهاجران طی این فرایند کنترل سنتی، خانواده و آشنایان خود را نیز بر اعمال روزمره‌شان از دست می‌دهند.

همان‌طور که می‌دانیم در ایران هم بر اثر گستردگی مرزها، تعدد مبادی ورود و خروج کشور و عدم کنترل کافی بر آن‌ها و در نتیجه مهاجرت بی‌رویه اتباع بیگانه که غالباً از کشورهای همسایه بوده و بیشتر به دلیل وجود مشکلات امنیتی یا معیشتی و اقتصادی در کشورهای خود به ایران می‌آیند و در نهایت عدم ساماندهی مطلوب این طیف از اشخاص توسط نهادهای ذی‌ربط، شاهد بروز و ظهور چنین تعارضات فرهنگی هستیم. البته این امر سبب حدوث پیامدهای گوناگونی همچون پیدایش محلات و سکونتگاه‌های مهاجرپذیر (به همراه ناهنجاری‌های بهداشتی و مهندسی شهری به علت رعایت نکردن اصول بهداشتی و فرسوده بودن بافت مسکونی این مناطق) به ویژه در نقاط اقماری و حاشیه‌ای کلان شهرها مانند تهران و کرج، رشد و ترویج خرده‌فرهنگ‌های مجرمانه خارجی و افزایش تصاعدی نرخ جرائم، علی‌الخصوص جرائم مواد مخدر، جرائم خشونت‌بار خیابانی یا عوام‌گرایانه و جرائم جنسی و آپارتمانی<sup>۲</sup> گردیده که در سال‌های اخیر ناظر موارد زیادی از این دست بوده‌ایم.<sup>۳</sup> متعاقباً رفع چنین چالشی، برنامه‌ریزی و به‌کارگیری راهکارهای

۱. به استناد طرح‌های پژوهشی در زمینه «مهاجرت و جرم» در حوزه قضایی کرج، از جمله طرح‌های انجام شده از سوی «مؤسسه تحقیقاتی علوم جزایی و جرم‌شناسی» وابسته به گروه آموزشی علوم جزایی و جرم‌شناسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی دانشگاه تهران که در سال ۱۳۴۰ شمسی به منظور آموزش تخصصی جرم‌شناسی تأسیس و با انقلاب فرهنگی که به تعطیلی موقت دانشگاه‌ها منجر شد، تعطیل گردید و بعد از بازگشایی در سال ۱۳۶۲، به طور عمده به اجرای طرح‌های پژوهشی پرداخته است.

### 2. Suite Crime

۳. پرونده «محمد بیجه» از اتباع افغانی، به دلیل اقدام مکرر به کودک‌آزاری و قتل در پاکدشت ورامین، یکی از بحث‌برانگیزترین این موارد در سال‌های اخیر بود.



مختص خود را در تمامی سطوح به منظور پیشگیری از توسعه و مقابله با این معضل، می‌طلبد.

#### ۴-۲- نظریه پیوند (کنترل) اجتماعی<sup>۱</sup>

این نظریه که از جانب «تراویس هیرشی»<sup>۲</sup>، در سال ۱۹۶۹ میلادی در ایالات متحده آمریکا و در کتاب معروف او «علل بزهکاری» بنیان نهاده شده و بر فرایند اجتماعی کردن افراد بیش از اعمال مجازات، برای برقرار کردن نظم جامعه و مقابله با بزهکاری تأکید دارد. هیرشی، برخلاف سایر نظریه‌پردازان که بر مجرم و محیط نظر می‌افکنند، بر افراد غیر بزهکار و اینکه بر اساس کدام عوامل فرهنگی مرتکب جرم نمی‌شوند، تمرکز دارد. او انحراف را معلول شکست یا ضعف پیوندهای فرهنگی - اجتماعی فرد با سایرین دانسته و می‌افزاید؛ اگرچه همه افراد به صورت بالقوه قانون‌گیزانند، اما چون نمی‌خواهند لطمه‌ای به پیوند و روابطشان با خانواده، اطرافیان و سایر اشخاصی که در محیط‌های گوناگون با آن‌ها در ارتباطند وارد شود، از کجروی و اعمال خلاف قانون خودداری می‌ورزند، ولی در فقدان یا عدم توجه به چنین پیوندهایی، خود را در ارتکاب عمل مجرمانه آزاد می‌بینند. (صدیق سروستانی، ۱۳۸۳: ۲۰) هیرشی جامعه را به عنوان خرده‌فرهنگ‌های متضاد رقیب که سیستم‌های ارزشی منحصربه‌فردی دارند نمی‌بیند؛ چراکه اغلب مردم از کدهای قانونی و هنجارهای رایج آگاه‌اند. در کشورهای غربی در دهه‌های چهل و پنجاه، توجه به متغیرهای خانوادگی و نقش مؤثر سازمان‌ها و نهادهایی نظیر مدرسه، دین و مذهب در نظریه‌های کنترل اجتماعی گنجانده شده و در تبیین رفتار انحرافی به کار برده شده است. (سیگل، ۲۰۰۱: ۲۳۸)

1. Social Bond theory
2. Travis Hirschi



با این روند او چهار شاخص فرهنگی اجتماعی عمده ذیل را که باعث پیوند هر فرد با جامعه و خودداری او از رفتار بزهکارانه است، تبیین می کند که عبارت اند از: الف) وابستگی<sup>۱</sup>: به معنی تعلق خاطر داشتن نسبت به دیگران و نهادها در جامعه. وقتی فردی به هنجارهای اجتماعی، تمایلات، انتظارات، نظریات و عقاید دیگران اهمیت نداده و بی تفاوت باشد؛ پیوند او با جامعه ضعیف گشته و خود را در ارتکاب انحراف و بزه آزاد می بیند، زیرا مبنای اصلی درونی کردن هنجارها، وابستگی به دیگران است که همان بعد جامعه شناختی وجدان در روانشناسی است.

ب) تعهد<sup>۲</sup>: افرادی که به طور معمول به امور مرسوم و فعالیت های متداول زندگی روزمره؛ مانند صرف وقت و نیرو برای تحصیل، کسب درآمد، مقام و منصب و غیره پرداخته و خود را به انجام چنین کارهایی متعهد می دانند، برای حفظ موقعیت خود هم که شده از دست زدن به کجروی می پرهیزند.

ج) مشغولیت<sup>۳</sup>: درگیر بودن در امور زندگی روزمره، وقت و انرژی فرد را به خود اختصاص داده و باعث کاهش امکان برزو رفتارهای نابهنجار از سوی شخص می گردد. کما اینکه همیشه شاهد آن هستیم که افراد بیکار و ولگرد از وقت بیشتری برای هنجارشکنی برخوردارند.

د) ایمان یا باور<sup>۴</sup>: داشتن اعتقاد به هنجارهای فرهنگی جامعه، همچون اخلاق و مذهب که پایبندی به آن ها، فرد را به دلیل احساس وظیفه اخلاقی یا دینی، از ناهمنوایی آشکار و پنهان با جامعه باز می دارد.

1. Attachment
2. Commitment
3. involvement
4. Belief





همان‌طور که می‌دانیم در جامعه ایرانی نیز وضعیت به همین منوال است و آن دسته از افراد به کجروی و بزهکاری روی می‌آورند که فاقد یکی از شاخص‌های فرهنگی فوق‌الذکر بوده و پیوند سستی با جامعه برقرار کرده‌اند. مگر آنان که جزء مجرمین اتفاقی هستند و به ندرت امکان دارد تحت شرایط خاص یا غیرعمد مرتکب جرم شوند. همچنین بر همگان واضح است که چون موازین قانونی موضوعه در ایران، بر اساس مبانی فقهی امامیه و شریعت مقدس اسلام است، اغلب جرائم مثل حدود و حتی تعزیرات شرعی که سبقه مذهبی دارند، رنگ و بوی شرعی و دینی به خود بگیرند و کسی به تخطی عالم‌اً و عامداً از این موازین خواهد پرداخت که اعتقادات مذهبی سستی داشته باشد و به احکام شرعی اهمیت ندهد. یا حداقل آنکه تعهدی به ملزومات اخلاقی زندگی در این جامعه نداشته باشد و در محیط خانوادگی نیز با ممانعت و واکنش بازدارنده‌ای در این خصوص مواجه نشود. از همین روست که جرائمی مانند شرب خمر، معاملات ربوی، اعمال منافی عفت و... را هرگز در میان افراد متدین و مذهبی نمی‌بینیم.

#### ۴-۳- نظریه خرده‌فرهنگی پسران بزهکار

این تئوری که در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ قرن بیستم با تمرکز بر بزهکاری جوانان و تبیین جامعه‌شناختی کج‌رفتاری‌های آن‌ها بر اساس ویژگی‌های خرده‌فرهنگی توسط چندین دانشمند و نظریه‌پرداز مختلف مطرح شد و مشهورترین نظریه جرم‌شناسی فرهنگی است. این نظریه، بزهکاری را از جرم متمایز دانسته و بر این باور است که این قبیل رفتارها از افرادی سر می‌زند که هنوز به سن قانونی نرسیده‌اند و در تعریف مفهوم «خرده‌فرهنگ» بیان می‌دارد، به مجموعهٔ بینش‌ها، ارزش‌ها و شیوه‌های رفتاری گروه کوچکی از یک جامعه اطلاق می‌شود که موجب تفاوت‌های فکری و رفتاری آن‌ها با سایرین است. (ستوده، ۱۳۷۶: ۱۴۷)



در میان دانشمندان متعددی چون «والتر میلر، کلووارد، اهلاین، ماتزا، فلدمن، ریموند گسن و بوردوا» که همه از پیروان مکاتب خرده‌فرهنگی هستند؛ «آلبرت کوهن»<sup>۱</sup> به دلیل ارائه دادن تئوری «پسران بزهکار»<sup>۲</sup>، از همگان شناخته شده‌تر است. او تحقیقات خود را درباره «خرده‌فرهنگ‌های انحرافی»، بر پایه نظریات رابرت مرتن آغاز کرد. آلبرت کوهن با تأکید فراوان بر بزهکاری پسران طبقات پایین‌تر جامعه و تفکیک انحرافات آنان از بزرگسالان، این نظریه را تدوین کرد و پس از آن در مورد نحوه پیدایش خرده‌فرهنگ‌های بزهکارانه، نظریه‌ای کلی مطرح کرد. از نظر وی هر جامعه‌ای، بر اساس فرهنگ خود برای اقشار و افراد عادی که هرکدام جایگاه اجتماعی خاصی دارند؛ به طور مؤثر یا غیرمؤثر وسایل و راهکارهایی فراهم می‌سازد تا بر مشکلات «همسازی با محیط» فائق آیند و هنگامی که وسایل «همسازی با محیط» به میزان کافی برای بعضی از اقشار جامعه در دسترس نباشد، خود را ناچار به «نفسی جنبه‌هایی از فرهنگ جامعه» که مشکلات همسازی با محیط را برای آنان فراهم کرده‌اند، می‌بینند و خرده‌فرهنگ‌هایی که زندگی را برایشان آسان‌تر می‌سازد، جایگزین این جنبه‌های نفی شده فرهنگ جامعه می‌کنند. به نظر کوهن اعمال پسران جوانی که گاهی اوقات مرتکب برخی از کیجرفتاری‌ها می‌شوند، صرفاً به منظور کسب منافع مادی نیست؛ زیرا آن‌ها بعضی از رفتارهای انحرافی مانند خشونت‌های فیزیکی یا تخریب اموال عمومی را، رفتارهایی می‌دانند که به منظور لذت‌های شخصی ارتکاب می‌یابند. (ستوده، ۱۳۷۶: ۱۴۸) این نوع رفتارها توسط «الگوهای خرده‌فرهنگ فرعی بزهکارانه» به عنوان رفتارهایی درست ارزیابی می‌شود که در

1. Albert Cohen

2. Delinquent Boys



نهایت باعث تشکیل گروه‌های بزهکار در بین جوانان و ایجاد انحراف عمومی در آن‌ها خواهد شد.

جامعه ایرانی نیز در هر برهه از زمان به تناسب با اوضاع عینی موجود، کم‌وبیش با ماهیت ضد اجتماعی و ضدیت مستقیم پاره‌ای از جوانان کشور با فرهنگ مسلط و غالب مواجه بوده است. در عصر حاضر هم، ظهور و بروز افسار گسیخته خرده‌فرهنگ‌ها و سبک‌های زندگی پوپولیستی به مفهوم طرفداری و توجه به خواست و علایق ناآگاهانه عامه مردم منفعل در عرصه اجتماعی، در مقابل منویات قشر نخبه و نابغه و در نتیجه غفلت از گفتمان غایی که شکل‌گیری فرهنگی، یک مای منسجم ملی و اجتماعی را میسر سازد و همچنین از هم‌گسیختگی تقریبی ساختار اقتصادی و بازار کار، مزید بر علت شده است. مدیریت‌های شتاب‌زده مقطعی و بیشتر شعارمحور تا عملگرا و طرح و برنامه‌های احساس‌گرایانه در برخورد با مسائل جوانان کشور در سطح کلان، فقدان دیدگاه صحیح در نحوه قانون‌گذاری و کثرت عناوین مجرمانه، همه و همه باعث گردیده تا در مورد جوانان، مفاهیم بزهکاری از پارامترهای تعریف جرم فراتر رفته و طیف متنوعی از فراغت‌ها و کردارهای نامناسب را شامل شود. باید اعتراف کرد که ادامه این چنین روندی منتج به غلبه یافتن «گفتمان ناامنی جامعه» و حضور افرادی ذاتاً بزهکار، به ویژه در میان جوانان خواهد شد، وضعیتی که پیدایش آن چندان هم دور از ذهن نیست. اکنون با فاصله گرفتن فرهنگ غیررسمی از نوع رسمی آن در بین طبقاتی از جامعه، شاهد پیش‌قراول شرایط مذکور هستیم. وقتی یک جوان ایرانی از یک طرف به لحاظ فرهنگی و ذهنی به اقلان کافی و وافی نرسد و از طرف دیگر با پارادوکس‌هایی در راستای همسازی نسبی با محیط بر اساس استانداردهای طبقات پیشروی جامعه، رو در رو شود؛ به



نفی این جنبه‌های فرهنگی می‌پردازد. حال اگر در خانواده‌ای از طبقه پایین رشد یافته و جامعه‌پذیر شده باشد؛ به جای خویشتن‌داری به مقابله با نمادها، مناسک و معانی مشترک سازماندهی شده پیرامون خود خواهد پرداخت. در این معنا، پوشش برخی از دختران و زنان که در ایران اصطلاحاً تحت عنوان «بدحجاب» یا «بی‌حجاب» خوانده می‌شوند یا جوانانی که با صدای بلند به پخش موسیقی‌های عامه‌پسند، فرومایه و مبتذل از سبک‌های غربی وارداتی در حوزه عمومی می‌پردازند یا آن را تولید می‌کنند و رفتارهای پرخاشگرانه نظام‌یافته در میداین ورزشی پرتماشگر را می‌توان مصادیقی از خرده‌فرهنگ‌های بزهارانه مربوط به سبک زندگی، در ایران دانست. رفتارهایی که مباشرت به آن‌ها، علاوه بر به رسمیت شناختن نمادهای آن، مستلزم برآورده کردن احساساتی نظیر مخاطره‌جویی، هیجان، کامیابی با قرارگرفتن در مرکز توجهات، لذت‌طلبی و حس تفاوت با سایرین است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



## نتیجه‌گیری

اکنون در عصر ارتباطات جهانی که زندگی نوع انسان بیش از هر عصر دیگری در تاریخ بشریت، ماهیت فرهنگی یافته؛ جامعه ایرانی بیش از همه دوران تاریخ کهن خود، سیمایی فرهنگی را به رخ جهانیان می‌کشد. اینجاست که آرمان‌گرایی و تعیین اهداف کلان فرهنگی، آن‌چنان که در سند چشم‌انداز ۲۰ ساله افق ۱۴۰۴ آمده؛ اگرچه اقتضای جامعه ارزشی و دینی ایران است، اما در غیاب راهبردها و خط‌مشی‌های اجرایی مناسب، کم‌وبیش ناکارآمد و تزئینی جلوه خواهد کرد. بدین ترتیب، پژوهش حاضر با واکاوی «عوامل فرهنگی جرائم و بزهکاری» از میان نظرات جرم‌شناسان، ضمن نقد و بررسی رویکردهای گوناگون دانشمندان این رشته و قیاس تطبیقی آن‌ها با وضعیت داخل کشور؛ بر مخاطره‌آمیز بودن برخی از این عوامل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی مانند خرده‌فرهنگ‌های نامتعارف و سبک‌های زندگی عامه‌پسند، تعارض واقعیات ملموس جامعه با مبانی و اهداف ایدئولوژیک، مهاجرت کنترل نشده، عدم ارائه الگوی علمی ایرانی - اسلامی زندگی به طور فراگیر و کاربردی به ویژه برای نسل جوان، فقدان مدیریت صحیح در صحنه رسانه‌ای و تکنولوژی‌های ارتباط جمعی خصوصاً از رهیافت قانون‌گذاری و سیاست کیفری، غفلت از ارتباطات خانوادگی به سبب کم‌رنگ شدن باورها و فشار هزینه‌های زندگی و در پی آن رشد روزافزون بیکاری و تورم و بالأخره در نظر نگرفتن اقتضائات مربوط به شرایط و فضای زندگی جوانان که زمینه‌ساز بزهکاری است، تأکید دارد. ضرورت به کارگیری نگاهی جامعه‌شناختی، با در اولویت قرار دادن «پیشگیری» بر درمان و تکیه بر عوامل ساختاری و اجتماعی، بروز انحرافات مجرمانه را از سوی سازمان‌های متولی امر گوشزد می‌کند تا با سیاست‌گذاری، راهبردی واقع‌گرایانه، عملیاتی و پرهیز از



شعارزدگی به نیازهای حقیقی جوانان، کاهش مشکلات اقتصادی اجتماعی، آموزش و آگاه‌سازی عمومی از طریق سالم‌سازی وسایل ارتباط جمعی به کاهش انحرافات و کنترل آسیب‌های اجتماعی همت گمارند.

لازم به ذکر است که در «اصل ۱۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» به «پیشگیری از جرم» که از وظایف اصلی قوه قضائیه دانسته شده، اشاره می‌شود و به مجموعه اقدامات کیفری و غیرکیفری که به کاهش نرخ ارتکاب جرم می‌انجامد، اطلاق می‌شود. البته در خصوص پیشگیری، نباید به طور افراطی و پراگماتیستی مانند آنچه «جرمی بنتام»، جرم‌شناس و حقوقدان فایده‌گرای انگلیسی می‌گوید، عمل کرد و بیشتر از روش «پیشگیری وضعی»<sup>۱</sup>، به پیشگیری‌های «رشدمدار»<sup>۲</sup> و «جامعه‌مدار»<sup>۳</sup> پرداخت.

سرانجام نباید از بیان این نکته مهم صرف‌نظر کرد که تئوری‌ها، مکاتب جرم‌شناسی، تحلیل‌ها و راهکارهای ارائه شده، به طور عمده ناظر بر انحرافات اجتماعی، بزهکاری‌های خرد و جرائم خشونت‌بار و خیابانی بوده که بر طبق قاعده از جانب طبقات پایین جامعه، اقشار یقه آبی و خاصه جوانان سر می‌زند و از جرائم یقه سفید، حیل‌گرانه و سازمان‌یافته مانند اختلاس، ارتشا، کلاهبرداری، جعل یا

### 1. Jeremy Bentham

۲. به مفهوم تأثیرگذاری بر موقعیت‌های ارتکاب جرم از طریق محافظت، کاهش دسترسی یا جاذبه‌زدایی از آماج جرم که توسط ذی‌نفع یا مالک، به صورت موردی، کوتاه‌مدت و زود بازده با هزینه‌های گزاف و نگاه خرد انجام می‌پذیرد.

۳. به مفهوم تأثیرگذاری بر فرد به منظور ایجاد توقف در فرایند تبدیل وی به مجرم که توسط نهادهای فرهنگ‌ساز اجتماعی و آموزشی، مانند مدارس به صورت فرد به فرد، در دراز مدت با سرمایه‌گذاری و هزینه بسیار بالا انجام پذیرفته که دیربازده و زمان‌بر است.

۴. به مفهوم تأثیرگذاری بر جامعه با دیدگاه کلان و ساختاری که از طریق اصلاح نهادهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی؛ بدون نگاه به فرایند ابتدایی آن‌ها با سرمایه‌گذاری بلندمدت و پرخرج انجام می‌پذیرد و در مدت زمان طولانی به طرز اصولی بازدهی دارد.



جرائم امنیتی که در سطح کلان روی می‌دهد، غافل مانده و نگرش چندانی بدین گونه مسائل نداشته‌اند؛ چراکه این قبیل جرائم لزوماً مبتنی بر عناصر فرهنگی - اجتماعی نبوده و بیشتر از حرص سیری‌ناپذیر آدمی سرچشمه می‌گیرند. بنابراین برای مرتفع ساختن نیاز به بررسی آن‌ها، نیز باید مورد توجه نظریه‌پردازان جرم‌شناسی قرار گیرد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



## منابع

### (۱) منابع فارسی

- ۱- رابرتسون، یان (۱۳۷۴) درآمدی بر جامعه، ترجمه، حسن بهروان، تهران: انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ دوم.
- ۲- ستوده، هدایت الله (۱۳۷۶) آسیب‌شناسی اجتماعی، تهران: نشر آوای نور، چاپ چهارم.
- ۳- صدیق سروستانی، رحمت الله (۱۳۸۳) آسیب‌شناسی اجتماعی، تهران: نشر آن، چاپ اول.

### (۲) منابع لاتین

- 1- Ciegel, Larry J. (2001) *Criminology, Theories, Patterns & Typologies*, New York, Wadsworth, 1<sup>st</sup> eds.
- 2- Ferrell & Sanders, J. & C.R. (1995) *Cultural Criminology*, Boston, Northeast University Press, 1<sup>st</sup> eds.
- 3- Ferrell, J., *Cultural Criminology* (1999) *Annual Review of Sociology*, Boston, Northeast University Press, 1<sup>st</sup> eds.
- 4- Merton, Robert K. (1949) *Social Theory & Social Structure*, New York, Free Press, 1<sup>st</sup> eds.
- 5- Schiller, Herbert I. (1976) *Communication & Cultural Domination*, New York, M.E. Sharpe Inc., 1<sup>st</sup> eds.